

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۳، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۵
صص ۱-۲۴

بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد

علیرضا افشانی، دانشیار، گروه رفاه و تعاون اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران*
ندا جواهرچیان، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران

چکیده

یکی از مسائل پیچیده و نگران‌کننده که توجه بسیاری از محققان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان امور را به خود معطوف داشته است، موضوع بزهکاری نوجوانان است. یکی از انواع بزهکاری نوجوانان وندالیسم است. به همین سبب هدف پژوهش حاضر تعیین نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد است. روش مورد استفاده در این تحقیق، از نوع پیمایشی است؛ داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای به طور ترکیبی و از ۶۳۵ نفر از دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان شهر یزد گردآوری شده است. اعتبار ابزار به صورت صوری و همچنین تحلیل عامل محرز شده و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS و ایموس مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن در وندالیسم و ابعاد آن تأثیر مستقیم و معناداری داشت. به عبارت دیگر با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان وندالیسم نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش حاضر با نظریه سیمن در مورد نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم هماهنگی دارد.

کلیدواژه‌ها: وندالیسم، بیگانگی اجتماعی، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، دانش‌آموزان، شهر یزد.

مقدمه و طرح مسأله

مطالعه تاریخ صد سال اخیر ایران نشان می‌دهد که کشور ما، بعد از ورود مدرنیته تا کنون، تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته به نحوی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن به خصوص در شهرهای بزرگ کاملاً دگرگون شده است. در این راستا، بسیاری از مظاهر تمدن غرب از قبیل: بهبود سازمان و تأسیسات شهری، آموزش همگانی، شکل‌گیری اجزاب، بهبود وضعیت بهداشتی و درمان، ارتباطات و حمل و نقل و... به این شهرها راه یافته‌اند. در این میان، آنچه که در حوزه مطالعات توسعه، به‌ویژه در دو دهه اخیر بسیار بدان پرداخته شده است رابطه بین مدرنیته و مؤلفه‌های بومی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بوده است. این تغییرات ارزشی و عدم تعادل‌های ناشی از آن، سبب ساز مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی شده که تبلور آن را می‌توان در ناسازگاری‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری و عقیدتی مشاهده کرد. به طور کلی می‌توان گفت که ناسازگاری‌ها از آن رو به وجود آمده و تقویت می‌شوند که در اثر تغییرات، الگوهای مرجع در جامعه، دچار دگرگونی شده و در ترکیب خود با الگوهای جدید، چه الگوهای جدید زیستی، چه الگوهای ناشی از اشکال جدید فرهنگ مادی (گذران اوقات فراغت، پوشاک، تغذیه و...) و همچنین در سطوح متفاوت ارزش‌های جدید اجتماعی (کار صنعتی، آزادی بیان و...)، ایجاد گونه‌های ترکیبی کنش می‌کنند که در بسیاری از موارد می‌توان آن‌ها را به عنوان کنش بیگانه در نظر گرفت. به عبارت دیگر، تداخل میان تعلقات ارزشی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در شرایط قدیم و جدید که می‌تواند به شکل‌گیری این کنش‌ها منجر گردد. به نظر ما افراد با نوع کنشی که انجام می‌دهند، در پی آن هستند تا واقعیت‌های خارجی را با نظام ارزشی مورد قبول خود منطبق سازند. میزان انطباق واقعیت‌های خارجی با نظام ارزشی افراد است که سازگاری‌های افراد را به این واقعیت‌ها مشخص می‌سازد؛ به این ترتیب که اگر این انطباق تا حد بالایی حاصل شود، فرد وضع موجود را قابل قبول دانسته و با آن تعامل برقرار خواهد

کرد. در غیر این صورت، ناسازی میان فرد و شرایط بیرونی به وجود خواهد آمد. در چنین وضعیتی، فرد خواهان تغییر وضد موجود خواهد بود. در کنش‌های جمعی نیز، وضع بدین منوال است. در عرصه جامعه می‌توان از ارزش‌های جمعی صحبت کرد (وثوقی و ساری، ۱۳۹۲: ۹۰).

اگر چه این ارزش‌ها به طور کامل و برای همه افراد جامعه یکسان نیست، اما اغلب آن‌ها برای اکثریت جامعه ارزش مشترک محسوب می‌شوند و اصالت به واسطه همین ارزش‌های مشترک است که می‌توان از ارزش‌های اجتماعی به عنوان یک وجود حقیقی صحبت کرد. در این عرصه نیز هماهنگی و انطباق ارزش‌های مشترک جمعی با واقعیت‌های بیرونی مطرح است. چنانچه این انطباق وجود نداشته است یا از بین برود، با جمعی مواجه خواهیم بود که با واقعیت بیرونی جامعه در آن حوزه خاص بیگانه شده و خواهان تغییر وضع موجود هستند. آن حوزه خاص ممکن است در هر یک از بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و یا اقتصادی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت عوامل ناساز در هر یک از حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی می‌توانند انطباق بین نظام ارزشی افراد واقعیت خارجی جامعه را از بین برده و به شکل‌گیری مسائل پیچیده و نگران‌کننده از سوی افراد منجر شوند (وثوقی و ساری، ۱۳۹۲: ۹۰). یکی از مسائل پیچیده و نگران‌کننده که توجه بسیاری از محققان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان امور را به خود معطوف داشته است، موضوع بزهکاری نوجوانان است. آمارهای انتشار یافته نشان می‌دهد که علی‌رغم بهبود وضع زندگی و معیشتی و علی‌رغم ازدیاد موسسات رفاهی و خدمات اجتماعی، در اکثر کشورهای جهان جرایم ارتكابی نوجوانان با سرعت و آهنگ رو به رشدی افزایش یافته است. عده‌ای ازدیاد جرم را از اختصاصات جوامع متمدن دانسته‌اند و معتقدند که بشر به همان سرعت که به سوی ترقی و پیشرفت و تکامل صنعتی و مادی پیش می‌رود به سمت تبه‌کاری و قانون‌شکنی رو می‌آورد (سخاوت، ۱۳۸۳: ۳۵). جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان پیدایش انواع جرایم ارتكابی

تهدیدی برای کشور قلمداد گردد. نوجوانان و جوانان بخش مهم و پایه‌ای سرمایه انسانی هر جامعه به حساب می‌آیند و در عین حال بیش‌تر از سایر گروه‌های جامعه در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دارند (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱).

رفتارهای وندالیستی در گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد که یکی از نمونه‌های قابل توجه آن رفتارهای وندالیستی نوجوانان است. اهمیت مطالعه رفتارهای وندالیستی گروه سنی کودک و نوجوان از آن جهت است که عوامل و ریشه‌های این رفتارها در محیط پیرامون، مانند خانه و مدرسه نهان است و رفتارها در این سنین قابل اصلاح و به‌گرد هستند؛ اما در صورت بی‌توجهی نهادینه و موجب بروز اختلالات شخصیتی می‌شود و پیامدهای آتی آن در اجتماع ظهور خواهد کرد.

اولین نهاد و سازمان رسمی که کودک با آن در دوره زندگی‌اش برخورد می‌کند مدرسه است. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسماً از سوی جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی شده است. ناتوانی نظام ارزشی در درونی کردن نظام ارزشی و هنجارهای جامعه، سبب می‌شود. جامعه‌پذیری فرد به سوی هنجارشکنی و بی‌ارزشی نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند سوق داده شود. القای ارزش‌ها و هنجارهای مطرود جامعه از سوی آموزگاران ناهم‌نوا، فراهم کردن زمینه عضویت دانش‌آموز در گروه‌های ناهم‌نوا به ویژه گروه بزرگسالان در این محیط، فراهم آمدن زمینه اختلالات روانی فرد بر اثر رفتارهای ناصحیح اولیای مدرسه و انگ بزه‌کار خوردن بر اثر پیش‌داوری‌های آموزگاران یا دانش‌آموزان خود سبب بروز رفتارهای تهاجم، مانند: کنده کاری روی نیمکت مدارس، کشیدن گچ یا خودکار بر روی دیوار، پاره کردن تور والیبال و ... نوشتن حرف‌های رکیک و زشت بر روی در دست‌شویی‌ها و کثیف کردن دیوارتوالت‌ها و ... می‌شود (رفعی‌پور، ۱۳۷۷: ۳۹۴).

خرابکاری‌هایی که از سوی دانش‌آموزان در ساعات آموزشی بر روی وسایل و امکانات مدرسه صورت می‌گیرد، سبب فرسوده شدن ساختمان مدارس و وسایل آموزشی

نوجوانان را معلول عواملی نظیر توسعه ناگهانی صنایع، وسعت و گسترش غیر اصولی شهرها، برخورد ملل و اقوام گوناگون، درهم ریختن و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، سست شدن پایه‌های اخلاقی و عوامل دیگر می‌دانند (کلاتری و توکلی، ۱۳۸۶). «وندالیسم» در لغت به معنای هرج و مرج طلبی ضدشهری و تخریب اموال عمومی و خصوصی است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲). به عبارت دیگر، وندالیسم به معنای تخریب کنترل نشده اشیا و آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی و خصوصی است که نوعی نابه‌هنجاری اجتماعی به حساب می‌آید. وندالیسم را می‌توان در زمره انحرافات و بزهکاری‌های جوامع جدید دسته‌بندی کرد. به زعم هوپر (۱۹۹۱) و ویلکینسن (۱۹۹۱) عصیان روزافزون انسان علی‌الخصوص نسل جوان در برابر تحمیلات اجتماعی و سرکوبگر بیرونی مبین احساس اجحاف و درماندگی و خشم و پرخاشگری آنان است. از این رو وندالیسم مرضی نوظهور و مدرن و عکس‌العملی خصمانه و کینه‌توزانه به برخی از صور، فشارها و اجحاف‌های بیرونی و اجتماعی است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۹۵-۱۹۴). وندالیسم^۱ یا خرابکاری یکی از انواع بزهکاری نوجوانان است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، رشد آنومی و تمایلات روزافزون انسان و ناکامی وی در رسیدن به این تمایلات است و همگام با رشد و توسعه شتابزده شهر و درونی‌شدن فرهنگ شهرنشینی در بین جوامع مختلف به وجود آمده است احساس از خودبیگانگی، اجحاف، خشم و تنفری که آن‌ها نسبت به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده ضعف و اختلال هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است (محمدی‌بلبلان‌آباد، ۱۳۸۴: ۳) کشور ما از نظر سنی یک کشور جوان محسوب می‌شود و با خیل عظیم جوانان و نوجوانان روبه‌رو است، بدیهی است چنان‌چه این نیروی عظیم و پویا در مسیر درست هدایت شده و مورد استفاده قرار گیرند، فرصتی بسیار با ارزش برای جامعه به حساب می‌آیند و چنان‌چه توجه لازم به آنان نشود و این نیروی عظیم به بیراهه کشیده شود می‌تواند

¹ Vandalism

می‌شود و محیط نازیبایی را به وجود می‌آورد که خود مزید بر علت می‌شود و میزان خرابکارهای دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

رفتارها با تأثیر منفی بر روحیه دانش‌آموزان، سطح آمادگی و یادگیری آنان را پایین می‌آورد و فرایند یاددهی و یادگیری را در مدارس به نحو بسیار وسیعی از حالت اصولی خارج می‌کند و به آن جنبه اجباری و گریزناپذیر می‌بخشد آثار و نتایج این رفتارهای تخریب‌گرانه نه تنها کانون خانواده را تهدید می‌کند، بلکه بر سلامت و امنیت جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

از سوی دیگر از آن‌جایی که شهر یزد از جمله شهرهای تاریخی به حساب می‌آید دیوان‌نویسی و نوشتن یادگاری بر روی آثار تاریخی زمینه تخریب آثار ملی و تاریخی را فراهم کرده است. نهادهای کنترل‌کننده و آموزش‌دهنده رفتارهای اجتماعی بر این پدیده تأثیر دارد و احترام گذاشتن و پاسداشت بناهای ملی و دینی ارزش تلقی نمی‌شود؛ از سوی دیگر، تقبیح و ضد ارزش دانستن درج یادگاری و خدشه‌دار کردن این آثار مورد تأکید و ترویج قرار نمی‌گیرد و به کنشگرانی که در حال اجتماعی شدن هستند، آموزش‌های لازم برای چگونگی پاسداشت این بناها داده نمی‌شود. متولیان امر هم با نظارت نکردن بر آثار تاریخی و ملی زمینه لازم برای تخریب این بناها و آثار تاریخی را فراهم می‌کنند. از طرف دیگر عدم جلوگیری از آسیب‌زدن به بناهای عمومی سبب نهادینه شدن این رفتار در بین نوجوانان شده و به صورت امری معمولی در بین آن‌ها شیوع پیدا می‌کند و به دنبال آن تخریب فضای سبز و اموال مدرسه را در پی دارد (نوبخت، ۱۳۹۲: ۲۰۴). متأسفانه مسائل رشد و شخصیت نوجوانان در ایران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به خصوص توجه اندکی به ریشه و علل انحرافات نوجوانان در جامعه مبذول شده است این بررسی به منظور دستیابی به اطلاعات دقیق در زمینه تأثیر بیگانگی اجتماعی بر وندالیسم در بین نوجوانان انجام شده است. به طور کلی نگاه عمیق به مسئله بیگانگی اجتماعی کمتر صورت گرفته است این در حالی است که لزوم بررسی این مفهوم در حوزه انحرافات نوجوانان بیش از

پیش لازم به نظر می‌رسد. آمار و ارقام مربوط به اشیای تخریب شده در حوزه‌های مختلف، به خوبی نشان‌دهنده گستره و تنوع آسیب‌هایی است که بر بخش‌های خدمات، محیط زیست، آموزش، بهداشت و تفریحات وارد می‌شود و هر روزه در این جوامع جاری است. در دوران جدید توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها تحولاتی در ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی به وجود آورده که تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته است. در دنیای امروز روابط انسان‌ها در معرض تغییر و تحول و پیچیدگی فزاینده قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود، توسعه شهرهای صنعتی، ایجاد محلات پر جمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پر تجمل و پیچیده مبتنی بر روابط رسمی و بی‌روح را به ارمغان آورده که با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه، عقل‌گرایی، درآمیختگی سنت‌های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال و آرزوهای سرکوب شده و تشدید احساس درماندگی ناتوانی و اجحاف همراه بوده است، پیامد دیگر آن عصیان روزافزون انسان‌ها علی‌الخصوص نسل جوان، در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوبگر بیرونی است (فتحی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های که به قلمرو ذهن بشر تعلق دارد و همه ایدئولوژی‌های تاریخ به نحوی با آن دست به گریبان بوده‌اند، مسأله بیگانگی و صور آن است زمانی که فرد به عنوان عامل مهم و اثربخش در جامعه به حساب نیاید ناراحت و عصبانی می‌شود. دل‌سردی و بی‌اعتنائی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر بیگانگی سبب شکنندگی در ساختار اجتماعی شده و افراد جامعه نسبت به فرآیندهای اجتماعی بدبین و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی می‌شوند لذا فردی که نسبت به جامعه احساس خصومت می‌کند احتمال دارد برای ارضای نیازهای روانی خودش و یا رسیدن به اهدافش دست به تخریب بزند. متأسفانه مسائل رشد و شخصیت نوجوانان و جوانان در ایران کمتر مورد توجه قرار

مراتب اول و دوم، اختصاص به اشکال بی‌مخاطرگی و پوچگرایی داشته است.

نادری، بنی فاطمه و حریری‌اکبری (۱۳۸۸) نشان دادند نتایج تفسیری از مدل‌سازی ساختاری کوواریانس دال بر وجود ارتباط معنادار بین متغیرهای بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی است.

نتیجه حاصل از پژوهش بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰) نشان داد رابطه معنی‌داری بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی با بیگانگی اجتماعی وجود دارد.

نبوی، ملتفت و براتیان (۱۳۹۰) نشان دادند که متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و وضعیت دانش‌آموز رابطه معنادار و معکوسی با متغیر رفتار وندالیستی داشته‌اند و متغیرهای معاشرت با دوستان ناباب، تنبیه در مدرسه، ناسازگاری والدین و از خود بیگانگی رابطه مستقیمی با رفتارهای وندالیستی داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش عزیزیان (۱۳۹۰) نشان داد که متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بیگانگی اجتماعی، ارتباط با هم مدرسه‌ای، تعلق و پیوستگی و بعد خانوار بیشترین تأثیر را در بروز رفتارهای وندالیستی دارد.

فتحی و محمدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پسران بیش‌تر به رفتارهای وندالیستی دست می‌زنند و این پدیده در فرزندان خانواده‌های سطح پایین‌تر از نظر اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی از تسهیلات شهری، شایع‌تر است. همچنین رفتارهای تخریب‌گرایانه و ویرانگر ناشی از بریدگی و عدم پیوند فرد با جامعه شهری و بیگانگی اجتماعی است.

نتایج پژوهش حیدری و پارسامهر (۱۳۹۱) نشان داد رابطه وندالیسم با متغیرهای مستقل، شامل جنسیت دانش‌آموزان، وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد، ارتباط دانش‌آموزان با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی و احساس انزوای اجتماعی معنی‌دار بوده است.

میرفردی، احمدی و نیکخواه (۱۳۹۱) به این نتیجه

می‌گیرد و به خصوص توجه اندکی به ریشه و علل انحرافات نوجوانان در جامعه مبذول شده است (سلیمانی و نایی، ۱۳۹۱: ۹۱). لذا این بررسی به منظور دستیابی به اطلاعات دقیق در زمینه نقش بیگانگی اجتماعی بر وندالیسم در بین دانش‌آموزان شهر یزد انجام شده است. به طور کلی نگاه عمیق به مسأله بیگانگی اجتماعی کمتر صورت گرفته است این در حالی است که لزوم بررسی این مفهوم در حوزه انحرافات نوجوانان بیش از پیش لازم به نظر می‌رسد. در این مقاله سعی شده است به سؤال ذیل پاسخ داده شود: آیا بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان نقش دارد؟

اهداف تحقیق

تعیین نقش بی‌قدرتی در میزان وندالیسم
تعیین نقش بی‌هنجاری در میزان وندالیسم
تعیین نقش بی‌معنایی در میزان وندالیسم
تعیین نقش انزوای اجتماعی در میزان وندالیسم
تعیین نقش احساس تنفر در میزان وندالیسم
مشخص کردن رابطه میزان وندالیسم و متغیرهای زمینه‌ای

پیشینه تحقیق

زکی (۱۳۸۸) برای اولین بار در ایران به آزمون ابزار و مدل نظری مدی، کوباسا و هوور (۱۹۷۹) پرداخته است. مدل مزبور به سنجش و اندازه‌گیری همزمان ابعاد پنج‌گانه بیگانگی (بیگانگی از خود، از کار، از خانواده، از روابط اجتماعی و از نهادهای اجتماعی) و همچنین اشکال (فرم‌های) چهارگانه بیگانگی (احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌ریشگی، احساس پوچ‌گرایی و احساس بی‌مخاطرگی) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش درخصوص تحلیل نظری مدل نشان داد که بیشترین میزان بیگانگی جوانان در مراتب اول و دوم اختصاص به بیگانگی جوانان نسبت به نهادهای اجتماعی و روابط اجتماعی هستند که دو موضوع فوق در سطح کلان ساختار اجتماعی قرار داشته است. علاوه بر آن بیشترین نمره بیگانگی جوانان در

نقل از احقر، (۱۳۸۵).

پژوهش رایان و تستا^۶ (2005) پیرامون بزهکاری کودکان و نوجوانان نشان داد که کودکانی که مورد بی‌توجهی والدین قرار می‌گیرند و منزوی هستند بیشتر دست به بزهکاری می‌زنند.

کالدولا و همکاران^۷ (2006) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که رابطه بین خانواده و والدین تأثیر به‌سزایی در گرایش جوانان به انواع بزهکاری دارد. هر چه ارتباط افراد با یکدیگر بیشتر است گرایش به اعمال بزهکارانه کمتر می‌شود.

موسی‌زاده (2010) در تحقیقی به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری بین دختران و پسران از نظر میزان خرابکاری وجود دارد. همچنین خرابکاری ارتباط مثبت و معناداری با بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی دارد یعنی هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد خرابکاری افزایش می‌یابد.

تحقیق یلدا و سیلکالی^۸ (2014) که در ترکیه بر روی ۱۵۱ نفر از کارمندان بانک انجام شد، نشان داد بعد شناختی از بدبینی سازمانی اثر مثبت بر بی‌معنایی و انزوای اجتماعی دارد. هر چه بدبینی در بین کارمندان بانک افزایش یابد احساس بی‌معنایی و انزوای اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. همچنین جنسیت، درآمد و موقعیت در بیگانگی اجتماعی تأثیر چندانی ندارد. اما افراد از نظر سن و سابقه کار از نظر میزان بیگانگی متفاوت هستند.

پژوهش حاضر از نظر تعداد و حجم نمونه مورد بررسی جامع‌تر از تحقیقات پیشین خود است. دو مقطع راهنمایی و دبیرستان با تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیقاتی که تاکنون در ایران درباره این موضوع انجام شده، جای خالی پژوهشی عمیق با پشتوانه محکم نظری و به ویژه در یزد خالی بوده است. در واقع، به طور خاص به علل زمینه‌ساز بروز نندالیسم و عوامل مرتبط با آن در بین دو مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان پرداخته نشده است. لذا با توجه به مطالب ذکر شده انجام تحقیقی در زمینه مسأله

رسیدند که گرایش به نندالیسم با متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن و جامعه‌پذیری رابطه معناداری دارد، ولی متغیر جنسیت با گرایش به نندالیسم رابطه معناداری ندارد.

زکی و خشوعی (۱۳۹۲) نشان دادند بین سلامت اجتماعی و بیگانگی اجتماعی برخلاف سایر متغیرها رابطه‌ای معنادار و معکوس برقرار است. متغیر بیگانگی (۰/۴۲-)، اعتماد اجتماعی (۰/۳۶)، ساختار طبقاتی اجتماعی (۰/۱۵)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۰/۱۳)، تعهد اجتماعی (۰/۱۰) و مهاجرت (۰/۰۷) توانسته‌اند ۶۳ درصد تغییرات سلامت اجتماعی شهروندان اصفهان را تبیین کنند.

نایت^۱، شپوش و پرسین^۲ (1974) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بیگانگی اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای با استفاده از انواع ماری‌جوانا رابطه دارد. نارضایتی از نهاد و قانون، حکومت، ازدواج و اخلاق کار به عنوان مهم‌ترین ابعاد تبیین رابطه بین از خود بیگانگی و بزهکاری نوجوانان بیگانگی اجتماعی بودند که بر استفاده افراد از ماری‌جوانا اثرگذار بودند.

یافته‌های پژوهش ویلسون و هیلی^۳ (1986) نشان داد که پسران ۱۳ تا ۱۷ سال بیشتر مرتکب اعمال نندالیستی می‌شود. این افراد متعلق به خانواده‌هایی با جمعیت بالا و دارای گرایش شدید به خرابکاری در داخل گروهی که بدان تعلق دارند، هستند و به قوانین و مقررات اجتماعی پایبندی ندارند. نتایج پژوهش لیگارت^۴ (1988) نشان داد هر چه افراد تحصیلات پایین‌تری داشته‌اند و کمتر در امور فرهنگی مشارکت کنند بیشتر به تخریب اموال عمومی و خصوصی روی می‌آورند. یعنی با افزایش سطح تحصیلات درصد درگیر شدن در اعمال نندالیستی کاهش می‌یابد.

تحقیق ریبیل^۵ (2003) نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که در خانواده‌های آشفته، مستبد، بی‌تفاوت و فروپاشی‌شده زندگی می‌کنند، منفی‌گرا، ناسازگار، بی‌انضباط و پرخاشگر هستند (به

¹ Knight

² Shethos & Precision

³ Wisin & Healy

⁴ Lygart

⁵ Ribble

⁶ Ryan & Testa

⁷ Caldwell & et al.

⁸ Yildiza & Saylikayb

اجتماعی وندالیسم در یزد ضروری به نظر می‌رسید.

چیستی و مبانی نظری بیگانگی اجتماعی

مهم‌ترین سرمایه هر جامعه، نیروی انسانی آن جامعه است و در بین نیروهای انسانی، نیروهای جوان یکی از سرمایه‌های بسیار مهم تلقی می‌شود که می‌توانند مسیرهای پژوهش، ارتقا و پیشرفت یک کشور را به سرعت طی کنند و در صورتی که زمینه‌های پویایی و شادابی آن فراهم نشود، می‌توانند فلاکت و هلاکت یک ملت یا جامعه را رقم بزنند. پس اگر زمینه و بسترهای لازم برای پویایی، شادابی و خلاقیت این قشر مهم فراهم نشود و پیوندهای لازم بین آن‌ها و اجتماع برقرار نشود، به احتمال زیاد آن‌ها را با یک بیماری و مسأله مهم اجتماعی به نام بیگانگی اجتماعی مواجه می‌کند (توفیق‌یان‌فر و حسینی، ۱۳۹۱: ۴۵). بیگانگی و ابعاد آن نظیر بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوا و احساس تنفر یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در بیشتر فرهنگ‌ها به منزله یک مسأله اجتماعی شناخته شده است (بنی‌فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۲). مفهوم بیگانگی مفهومی است که بیشتر جنبه استعاره‌ای دارد. این کلمه در جامعه‌شناسی بیشتر به معنی سقوط اصول و عدم ملاحظه اصول و موازین به کار می‌رود (ربانی و انصاری، ۱۳۸۴: ۴۵). بیگانگی ابعاد مختلفی از جمله بیگانگی فرهنگی، بیگانگی از کار، بیگانگی سیاسی و بیگانگی اجتماعی دارد. در میان ابعاد مختلف بیگانگی، به نظر می‌رسد که بیگانگی اجتماعی، نمود بیشتری دارد. در بیگانگی اجتماعی به رابطه دوجانبه میان فرد و جامعه توجه می‌شود و بریدگی از هنجارهای فرهنگی و انفعال یا جدایی از دیگر مردمان مورد نظر است. بیگانگی اجتماعی نوعی احساس انفصال، جدایی و نداشتن پیوند ذهنی و عینی میان فرد و جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده، مذهب و...) است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۲).

مسأله بیگانگی از خود و بیگانگی از اجتماع در افراد به حدی اهمیت دارد که بسیاری از نابهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی از جمله خودکشی، اعتیاد، رفتارهای پرخطر و ... با

بیگانگی اجتماعی رابطه دارند (ستوده، ۱۳۸۸: ۷۹). بیگانگی موجب توقف رشد و پویایی فرهنگی، از هم پاشیدگی ساخت اجتماعی، سوء انسجام اجتماعی و ... می‌گردد هم این موارد تداوم حیات جامعه را به خطر می‌اندازند. یک جامعه بیگانه که در آن نظام کنش اجتماعی مختل است افراد دچار بی‌قدرتی شده‌اند، دایره‌های تعهد و انسجام اجتماعی کوچک شده، افراد جز به منافع فردی فکر نمی‌کنند، توجه این برای زندگی و عمل خود ندارد و دچار بیزاری فرهنگی شده‌اند و هیچگاه به توسعه نمی‌رسند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

بیگانگی در تعریفی وسیع و عام به معنای انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است (زکی، ۱۳۸۸: ۲۷).

بیگانگی مبین نوعی احساس بی‌قدرتی و احساس تنفر از خود و مردم است که کنیستون آن را عکس‌العملی تعریف می‌کند که نسبت به تنفرهای جمعی، فشارهای اجتماعی و زیان‌های تاریخی ابراز می‌شود و به دنبال آن برخی از این افراد متمایل به طرد جامعه خود شده و مسیر مشخصی را برای خود تشکیل می‌دهند (Mohseni Tabrizi, 2004:133).

بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی بیان می‌کند که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگونی احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، احساس تنفر از خود بیگانه می‌شود (Seeman, 1959:783).

احساس بی‌قدرتی^۱: احساس عدم کنترل امور شخصی یا حوادث اجتماعی (Gaski & Ray, 2001). عبارت است از احتمال یا انتظار فرد نسبت به بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این که رفتار او قادر به تحقق نتایج مورد انتظار نخواهد بود و او را به هدفی که در نظر دارد سوق نخواهد داد. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد (محسنی‌تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

¹ Powerlessness

عدم تعلق و وابستگی با ارزش‌های مرسوم جامعه را در خود احساس می‌کند (محسنی تیریزی و رحمتی، ۱۳۸۱:۱۴۶). دوایت دین^۵ با الهام از دیدگاه دورکیم، انزوای اجتماعی را احساس جدایی فرد از گروه یا انزوا از استانداردهای گروهش تعریف می‌کند به عبارتی تماس‌های عاطفی بین فرد و گروه‌های مهم و حامی در این مؤلفه از بین می‌رود (Dean, 1968:755).

احساس تنفر^۶: پنجمین تعبیری که سیمن به عنوان یکی از کاربردهای رایج مفهوم بیگانگی و جنبه‌ای مهم از آن یاد کرده، مفهوم احساس بیگانگی با خود است. عبارت «بیگانگی با خود» بیش از هر چیز استعاره ساده‌ای است که لازم نیست منطبق به معنای «بیگانگی از فرهنگ عامه» است. آن‌چه به روشنی در این‌جا می‌تواند مورد نظر است، پاره‌ای شرایط آرمان اجتماعی انسان است که فرد از آن‌ها بیگانه می‌شود. در این صورت، از خود بیگانه بودن، یعنی در پایین‌تر از حد آرمانی قرار داشتن که اگر جامعه شرایط متفاوتی می‌داشت شخص به آن می‌رسید. یکی از شیوه‌های بیان این معنا از نظر سیمن، توجه به از خود بیگانگی به مثابه میزان وابستگی رفتاری معین به پاداش‌های قابل پیش‌بینی در آینده است، یعنی پاداش‌هایی که در بیرون از خود فعالیت وجود دارد (Seeman, 1959:786). از نظر سیمن احساسی است که طی آن فرد نسبت به باورها و اهدافی که در جامعه ارزشمند و دارای پاداش اجتماعی است، اعتقاد نازلی دارد. به عبارتی آن‌چه که در نزد سایر مردم مهم و با ارزش است در نظر فرد دارای یک چنین احساس، بی‌ارزش یا دارای ارزش کمتری است (Seeman, 1959:788-789).

چیستی و مبانی نظری وندالیسم

واژه وندالیسم از مفاهیمی است که و هر یک از محققان و اندیشه‌ورزان، از منظر خاص خود، این واژه را تعریف نموده‌اند. در اغلب تعاریف ارائه شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، محققان و

احساس بی‌معنایی^۱: دومین کاربرد عمده مفهوم بیگانگی را می‌توان با عنوان بی‌معنایی تعریف کرد. این مؤلفه بیگانگی، با الهام از دیدگاه آدا فینیفتر^۲ و ملوین سیمن به این صورت تعریف شده است که: بی‌معنایی در افراد، نوعی بیگانگی است که فرد یا افراد دچار نوعی ابهام و شک و دودلی شده و قادر نیستند نتایج و پیامدهای رفتار خود و دیگران را پیش‌بینی کنند. به عبارتی تردید در این‌که در مورد معیارهای مطرح در سطح جامعه، به چه چیزی اعتقاد داشته و یا اعتقاد نداشته‌اند (Finifter, 1979:390).

احساس بی‌هنجاری^۳: سومین مفهوم از بیگانگی، اقتباسی است از توصیف دورکیم درباره انومی و به شرایط بی‌هنجاری اشاره دارد (Hayden & et al., 2008). در کاربرد سنتی، بی‌هنجاری دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که رفتار فردی را انتظام می‌بخشد، از هم گسیخته یا تأثیر خود را به عنوان قاعده رفتار از دست داده است. این مفهوم شکل از خود بیگانگی را نشان می‌دهد، یعنی ایده‌ای مهمی که آن هم می‌تواند در چارچوب انتظارات قرار گیرد. به پیروی از رابرت مرتون، وضعیت بی‌هنجار از نظر فرد ممکن است چنین تعریف شود که در آن وضعیت، انتظار زیادی می‌رود که از نظر اجتماعی برای رسیدن به هدف‌های معین، نیاز به رفتارهای تأیید نشده وجود دارد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵:۴۱۲).

احساس انزوای اجتماعی^۴: واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. در این حالت فرد دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به مکانیسم ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آن‌چه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است خود را هم عقیده و همسو نمی‌بیند. در مجموع می‌توان گفت، از دید سیمن، احساس انزوای اجتماعی به عنوان یکی از معانی و ابعاد بیگانگی، واقعیتی ذهنی است که در آن فرد

¹ Meaningness

² Ada finifter

³ Normlessness

⁴ Social isolation

⁵ Dwight Dean

⁶ Esterangment self

مقابل، به تعامل میان فرد و جامعه در فراگرد رفتار اشاره کرده‌اند. رویکرد آنان که بیشتر به روان‌شناسی اجتماعی نزدیک است و فرد و جامعه را توأم و در کنش‌های متقابل در جریان رفتار فردی دخیل می‌دانند. این رویکرد که در مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو شکل گرفته است به فراگرد متقابل و تعامل میان کنشگران و محیط در مسیر عمل آدمی، معتقد است و بر این اصل اصرار می‌ورزد که انسان در عین حال که سازنده جامعه و واقعیات اجتماعی است زیر نفوذ تولیدات خود نیز قرار دارد و به نظر تیلور رابطه‌ای که میان انسان و جامعه وجود دارد یک رابطه دیالکتیک است و می‌باید این فرایند را در تمام مراحل کزرفراری در نظر آورد.

تبیین چگونگی ارتباط بین وندالیسم و بیگانگی اجتماعی

در بسیاری از تحقیقات (Taylor, 1973; Flacks, 1986; Stephens, 1989; Goldstein, 1990; Clark, 1991) به این نتیجه رسیده‌اند که وندال‌ها و جوانان بزهکار به طور دراماتیک یکی از بارزترین و مشهودترین گروه‌های بیگانه در جامعه معاصر هستند. به زعم این صاحب‌نظران وندال‌های بیگانه معمولاً در خانه‌هایی غیر منضبط با والدینی سر در گم و مردد و نامطمئن از ارزش‌ها و فلسفه اجتماعی خویش پرورش یافته و غالباً احساس در ماندگی و اجحاف خود را به صورت قهرآمیز و پرخاشگرانه در مقابل نسل بزرگ‌تر، صاحبان قدرت و همه سازمان‌های تأسیس شده در جامعه نشان می‌دهند. فیوئر در باب منشأ انتسالی و روانی بیگانگی نسل جوان و روحیه انتقام‌جوئی و ویرانگرایانه آنان که از آن به «تدبیر ناخودآگاه» می‌کند، معتقد است «احساسات و عواطف صادره از ناخودآگاه جوانان که ناشی از ستیز نسل‌هاست خود را در جهات نامتعارف و غیر عقلانی به طور بارزی نمودار می‌سازد».

به نظر فیوئر، بیگانگی روانی خود را در صور رفتارهای نابهنجار نظیر وندالیسم، خشونت، میل به انتقام‌جوئی و نظایر آن بروز می‌دهد. از این رو بیگانگی امری نابهنجار و جرم‌زاست. این نوع برداشت در مقابل آن دسته از نظریه‌های

صاحب‌نظران از آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده‌اند.

در متون جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی، وندالیسم کراراً به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمارگونه به کار رفته که مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴).

از نظر لغوی، وندالیسم به معنای تخریب اماکن و وسایل و امکانات شهری است (Longman Group, 2003).

لغت نامه آکسفورد (1987) وندالیسم را مشخصه وندال‌ها می‌داند. وندال‌ها کسانی هستند که از روی میل و رغبت عمداً آثار هنری عمومی و خصوصی را از بین می‌برند و طبیعت را خراب می‌کنند. بر اساس تعریف واژه وندالیسم در فرهنگ آکسفورد، این واژه در سال ۱۶۶۳ میلادی به تخریب جاهلانیه یا آگاهانه هر چیز زیبا، محترم و حفاظت شده اطلاق می‌شد. واژه وندالیسم به تدریج گسترده شد و هرگونه رفتار مخرب، بی‌پروا، بی‌فرهنگ و بی‌رحمانه را در بر گرفت. این تعابیر به ویژه در حیطه هنر و آثار هنری مصداق یافت (مرتضایی، ۱۳۸۰: ۱۳).

با توجه به زمینه‌ها و مبانی نظری وندالیسم به ویژه سبب‌شناسی آن اغلب صاحب‌نظران مسائل کج‌رفتاری بر این عقیده‌اند که وندالیسم چون بسیاری از رفتارهای بزهکارانه معلول علت واحدی نیست. از طرفی دیدگاه‌های غالب اکنون بر این اصل تأکید و اصرار دارند که نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کج‌رفتاری هیچ یک به تنهایی کفایت لازم را در تبیین علل رفتار آدمی نداشته و غالباً اسیر تنگ نظری‌ها، تک سبب‌بینی‌ها و تقیدات و تعصبات حوزه‌های نظری خود هستند. در مکاتب جامعه‌شناسی، سازمان‌ها، ساختارها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی به مثابه واقعیت‌های اجتماعی، علت رفتار آدمی به حساب آمده و رفتارهای بزهکارانه را معلول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. در مقابل روان‌شناسان به‌ویژه روان‌کاوان آن را معلول کارکرد نیروهای سرکش درونی می‌پندارند. گروهی از صاحب‌نظران نیز در

وندالیسم، خشونت و ویرانگری را نه محصول طرد و نفی کامل ارزش‌های والدین، بلکه، معلول تربیت و اجتماعی شدن موفق جوانان در محیط خانواده می‌داند و با صراحت ابزار می‌دارد: بدین طریق ارزش‌هایی که نسل گذشته به صورتی مجرد به آن‌ها ارج نهاده و مجدانه از آن‌ها پاسداری کرده است، به نشانه و خصوصیت شخصیتی بارز نسل جدید تبدیل شده و در آن‌ها تجلی یافته است. در این معنی جوانانی که در اعتراضات و تظاهرات، فعالیت‌های سیاسی، هر شیوه زندگی و رفتار بیگانه گونه شرکت می‌کنند، کسانی نیستند که در سلک کجروان و آیین منحرفان درآمده‌اند، بلکه افرادی به شمار می‌آیند که بر اساس یک سنت فرهنگی رشد یافته و پویا تربیت و اجتماعی شده‌اند.

در نظریه فردیبرگ بیگانگی محصول و معلول نارضایتی است. فردیبرگ در تحقیقات خود در باب بیگانگی نسل جوان بر این فرض کلی تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار منفصلانه و ناسازگارانه در قبال ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز می‌دهد و در مقابل آن ژستی دفاعی می‌گیرد که با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی‌تفاوتی همراه است. از عوامل دیگری که در بروز بیگانگی دخیل اند مفهوم فردیت و هتک شخصیت فردی، مشغله فکری خصوصاً سروکار داشتن مفرط با مفاهیم تجریدی انتزاعی و نیز غلبه ارزش‌ها و احساسات گروه بر ارزش‌ها و عواطف فرد است (Friedenberg, 1983:12).

بدین ترتیب فردیبرگ نارضایتی را هم علت بیگانگی و هم عامل مهم بروز رفتارهای ناسازگارانه، ضد جامعه و از هم‌گسیخته‌ای نظیر وندالیسم می‌داند. در واقع وندالیسم و رفتارهای مشابه آن از نظر فردیبرگ نشانه تنفر و نیز واکنش نامطبوع فرد به شرایط بیرونی و بازبینی نامعقول نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مسلطی است که فرد آن را غیرمنصفانه و تبعیضی می‌داند؛ این هنجارها هم علت خودبستگی و هم مانع تحقق و شکوفایی نیازها و استعداد‌های نهفته آدمی اند (محسنی تبری، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

فروم بیش از هر روان‌شناس اجتماعی دیگری در تفسیر،

مارکسیستی قرار دارد که بیگانگی را امری طبیعی، مولد و آفریننده می‌بیند (محسنی تبری، ۱۳۷۹: ۱۷۹).

کنیستون در نظریه بیگانگی خود جوانان را بیگانه‌هایی در نظر می‌گیرد که ستیز با نظم موجود و نفی کامل آن‌چه را که ارزش‌های مسلط فرهنگ جامعه خوانده می‌شود، فضیلت می‌دانند. توصیف کنیستون از جوان بیگانه متضمن این حقیقت است که بیگانگی روانی نتیجه‌ای از کامیابی غم‌انگیز پسران در ستیز اودیپال و سردرگمی و ناکامی آنان در هویت‌یابی با والدین است (Keniston, 1969:80) به نقل از محسنی تبری، ۱۳۷۹: ۱۹۸).

فلکس^۱ (1986) ضمن اعتقاد به رابطه وندالیسم با بیگانگی نسل جوان، مدعی است که رفتارهای معطوف به تخریب و ویرانگری ناشی از شکاف بین ارزش‌های تحمیلی والدین و شرایط و حرکت‌های حاکم بر جامعه است. به زعم فلکس بسیاری از رفتارهای معطوف به تخریب و وندالیسم در بسیاری از مواقع منعکس‌کننده میل وافر جوانان به ابراز خشم و نارضایتی از اجحاف، اجبار، تبعیض، اقتدار آمرانه، تحدید آزادی‌های فردی، نابرابری و بی‌عدالتی ساختارها، سازمان‌ها و نهادهای جامعه سلطه‌گر است. چنین جامعه‌ای به زعم وی مانع شکوفایی استعدادها و امکانات نهفته‌ای می‌شود که چنان‌که شکوفا شوند و تحقق یابند جامعه‌ای سالم پدید خواهد آمد. چنین برداشتی از ستیز فرد و جامعه در آرای برخی از جامعه‌شناسان انتقادی نیز مشهود است. آنان نظام مسلط فرهنگی اجتماعی و روابط حاکم بر آن را پایه و مایه بیگانگی انسان می‌دانند و معتقدند احساس تنفر و بیزاری از عملکرد کل نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و علت اصلی را باید در ناهمسازی کارکرد نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد. از این رو برای رهایی از قیود نظام اجتماعی موجود که نفی‌کننده امکانات نهفته و استعداد‌های ناشکفته انسانی اند باید نهادهای کنونی را در هم ریخت و طرحی دیگر در انداخت (شیخوندی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

بدین ترتیب فلکس بیگانگی معطوف به انتقام‌جویی،

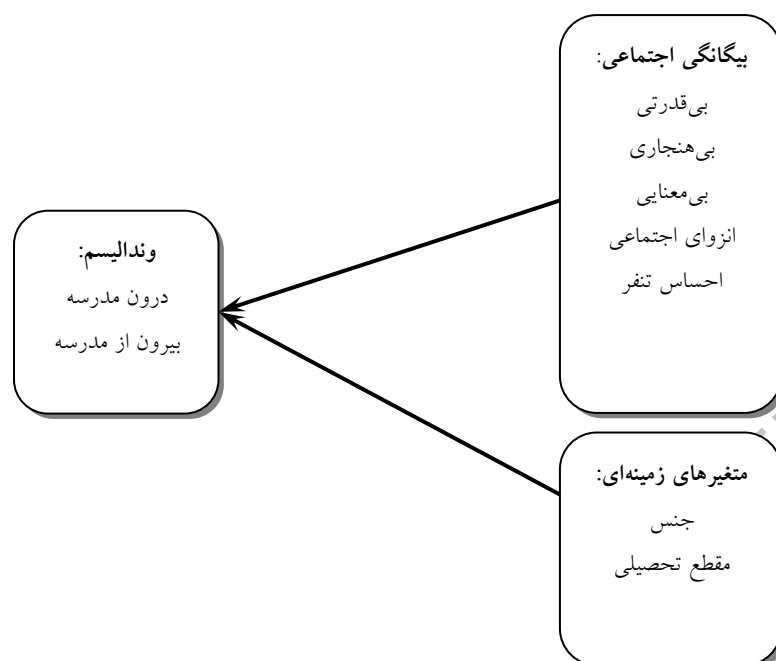
¹ Flacks

تبیین، تحلیل و توسعه مفهوم بیگانگی کوشیده است. فروم اعتقاد دارد که ریشه‌های بیگانگی آدمی را می‌توان در جریان رشد تکاملی او جستجو کرد. برخلاف حیوانات پست‌تر که غرایز آن‌ها را به رفتار و فعالیت وادار می‌کنند، انسان به قابلیت روانی منحصر به فردی مجهز است که او را قادر می‌سازد بر جهان طبیعت فائق آید. زندگی او دیگر تابعی از نیروهای قهار و سلطه‌گر نیست، بلکه براساس خودآگاهی، برهان، تحلیل و تفهیم قوام و نظام یافته است. از این رو انسان و طبیعت دو واقعیت مستقل به شمار می‌آیند و عدم وحدت و بیگانگی این دو سبب می‌شود بشر خود را در محیط بیگانه‌ای ببیند که در آن از طبیعت جدا افتاده است. مسئله هستی آدمی و حیات او در جهان طبیعت مسئله‌ای نادر و منحصربه‌فرد است. به قول فروم انسان با آن‌که از طبیعت جدا و منفک است، با آن هستی می‌یابد؛ با طبیعت قرین است. بخشی از او عالم بالاست، خدایی است، الهی است، نامتناهی است و بخش دیگرش از جهان خاکی و حیوانی است (فتحی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

انسان باید خود را با این شرایط محیطی جدید سازگار کند در چنین محیطی او همچنین با انبوهی از خواسته‌ها و نیازها روبه‌روست. در بین این نیازها و خودشناسی و بالاخره نیاز به داشتن عقیده مرام و ملک نام برد. به نظر فروم در جامعه صنعتی و روابط اجتماعی نظام سرمایه‌داری انسان قادر به تأمین رضامندانۀ بسیاری از این نیازها نیست، به جای آن‌که از بیگانگی با طبیعت لذت ببرد، از بیگانگی با آن و تنهایی، انزوا و پریشانی خاطر اندوهناک است، با آن‌که توانایی تسخیر طبیعت را دارد قادر به نمایش دادن خلاقیت خود و ارضای این نیازها نیست؛ خود را نمی‌شناسد، از طبیعت خود جدا افتاده است، به خویشتن خود راهی ندارد، نمی‌داند چه هست و چه باید باشد؛ او از بحران هویت رنج می‌برد؛ سرگشته‌ای است در وادی حیرت (فروم،

۱۳۵۷: ۳۷) نتیجه این است که انسان باید خود را با این شرایط محیطی جدید سازگار کند. در چنین محیطی او همچنین با انبوهی از خواسته‌ها و نیازها روبه‌روست. در بین این نیازها و خودشناسی و بالاخره نیاز به داشتن عقیده، مرام و مسلک را نام برد (فروم، ۱۳۵۷: ۳۷). فروم نیز منشأ و ریشه کژرفتاری را ناهمسازی انسان و نیازهایش با ساختارها و نهادهای مسلط جامعه سرمایه‌داری می‌داند و معتقد است، اولاً نظام اجتماعی با ارزش‌های فرهنگی، قواعد رفتاری و هنجارهای پذیرفته شده، پایه و مایه انحرافات و مسایل اجتماعی است. مسائل اساسی در نظامی طبقاتی و سرمایه‌داری زیر سلطه هنجارهایی است که با نیازهای آدمی در ستیزند. هنجارهایی که از فرهنگ طبقه توانمند و صاحب قدرت سرچشمه می‌گیرد و هر گونه انحراف از آن‌ها به شدت مجازات می‌شود. ثانیاً از خودبیگانگی انسان که محصول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام سرمایه‌داری و صنعتی است، مانع تحقق هدف‌های فردی و گروهی می‌شود. زیرا نظام اجتماعی همراه با ارزش‌های فرهنگی، قواعد رفتاری و هنجارهای پذیرفته شده آن اموری به نظر می‌رسند که از وجود انسان سرچشمه گرفته‌اند، از آن بیگانه شده‌اند، در برابر وی قرار گرفته‌اند و وجود خویش را بر آدمی تحمیل کرده‌اند. بنابراین دلیل بسیاری از رفتارهای ناهنجار انسانی در شکل وندالیسم، خشونت و رفتارهای ضد اجتماعی همسازی و هم‌رنگی آدمی با شرایط محیط اجتماعی است، این شرایط را طبقات و گروه‌های حاکم و پاسداران نظام اجتماعی بر افراد و گروه‌های انسانی تحمیل کرده‌اند و افراد جامعه نیز بدان رفتارها گردن نهاده‌اند.

مدل نظری تحقیق



نمودار ۱- مدل نظری تحقیق

فرضیات

- بین میزان بیگانگی اجتماعی و وندالیسم رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی قدرتی و وندالیسم رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی هنجاری و وندالیسم رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی معنایی و وندالیسم رابطه وجود دارد.
- بین احساس انزوای اجتماعی و وندالیسم رابطه وجود دارد.
- بین احساس تنفر و وندالیسم رابطه وجود دارد.

روش و ابزار مطالعه

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی^۱، مقطعی و کاربردی است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان شهر یزد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که تعداد کل آن‌ها در دوره اول متوسطه ۱۷۸۱۸ نفر و برای دوره دوم متوسطه ۲۰۶۷۴ نفر بوده است.

بر اساس فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و میزان خطای ۵ درصد، حجم نمونه براساس پراکندگی صفت

اصلی در پیش‌آزمون، برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ۳۱۷ نفر و برای دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ۳۱۸ نفر و در مجموع، ۶۳۵ نفر مشخص گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، طبقه‌ای و خوشه‌ای به طور ترکیبی بوده است. به این ترتیب که نواحی دو گانه آموزش و پرورش شهر یزد به عنوان دو خوشه اصلی در نظر گرفته شود و در درون هر کدام از این نواحی، تعدادی از مدارس دوره اول متوسطه (پسرانه و دخترانه) و تعدادی از مدارس نوبت دوم متوسطه (پسرانه و دخترانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. در درون این مدارس نیز هر پایه با در نظر گرفتن جنسیت دانش‌آموزان به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد و در نهایت، تعدادی از دانش‌آموزان هر پایه تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی استفاده شد. به همین منظور، اولاً سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند یا از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج

¹ Survey

برای تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشان داد ابزار از مطلوبیت بالایی برخوردار است.

شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها از نظرات محققان و اساتید دیگر کمک گرفته شود. سپس در نهایت، یک بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به اساتید و متخصصان نشان داده شد و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه استفاده گردید. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع صوری است. علاوه بر آن از تحلیل عامل نیز برای تعیین اعتبار ابزار استفاده شده است.

سنجش بیگانگی اجتماعی

جدول ۱- سنجش ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی

بار عاملی	میزان آلفای کرونباخ	گویه‌ها	ابعاد بیگانگی اجتماعی	
۰/۷۵۹	۰/۷۸۴	در برخورد با مشکلاتی که در جامعه در حال افزایش است، بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنم.	احساس بی‌قدرتی	
۰/۶۹۵		از دست کسانی مثل من، برای جامعه کاری بر نمی‌آید.		
۰/۶۵۴		احساس می‌کنم تسلط چندانی بر مسیر زندگی‌ام ندارم.		
۰/۶۲۰		این‌که کسی بتواند به اصلاح ساختار جامعه بپردازد، خواب و خیالی بیش نیست.		
۰/۶۰۴		در فعالیت‌های مربوط به مدرسه شرکت نمی‌کنم؛ چون معتقدم تأثیری در بهبود وضعیت مدرسه ندارد.		
۰/۴۸۹	۰/۷۴۷	افرادى که قوانین را رعایت می‌کنند؛ تنها به دلیل ترس از مجازات است	احساس بی‌هنجاری	
۰/۷۰۹		برای رسیدن به هدف می‌توان دست به هرکاری زد.		
۰/۶۸۶		از نظر من قواعد معینی وجود ندارد که بتوان با آن زندگی کرد.		
۰/۶۵۴		وقتی کسی در مدرسه سر وقت حاضر نمی‌شود اگر من به موقع به مدرسه بیایم، سرم کلاه رفته است.		
۰/۶۰۷		هر رفتاری از من سر بزند به نتایج و پیامدهای آن توجهی نمی‌کنم.		
۰/۶۴۷	۰/۷۶۱	آینده جامعه را تیره و تار می‌بینم.	احساس بی‌معنایی	
۰/۶۰۴		احساس می‌کنم که این دنیا معنا و مفهومی ندارد.		
۰/۵۶۰		آینده شغلی دانش‌آموزان امروز مبهم و غیر واضح است.		
۰/۷۴۳		اغلب احساس می‌کنم هیچکس به من احتیاجی ندارد.		
۰/۶۹۳		از این‌که در کنار دوستانم باشم، احساس خوبی دارم		
۰/۶۵۰	۰/۷۳۷	احساس می‌کنم دلخوشی چندانی در زندگی ندارم.	احساس تنفر	
۰/۶۰۸		نمی‌توانم مشکلات خود را با دیگران مطرح کنم.		
۰/۵۸۴		بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم.		
۰/۸۴۹		از شرایط زندگی خود متنفر هستم.		
۰/۷۹۸		احساس می‌کنم که از دیگران عقب‌تر هستم.		
۰/۷۳۶	۰/۸۲۳	احساس می‌کنم به درد هیچ‌کاری نمی‌خورم.	احساس تنفر	
۰/۶۹۵		ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه را دوست دارم.		
۰/۶۲۷		رفتن به مدرسه برایم لذت‌بخش است.		
۰/۵۹۶		گاهی اوقات به خاطر کارهای مسخره‌ای که انجام می‌دهم؛ از خودم بیزار می‌شوم.		
۰/۵۶۰		ارزش‌های جامعه و مدرسه نوعی فشار و محدودیت بر ما اعمال می‌کند.		
۰/۴۸۳		این‌قدر از فعالیت‌های فرهنگی و علمی بیزار هستم که دوست ندارم حتی اسمش را بشنوم.		
KMO = ۰/۸۹۸		Approx. Chi-Square = ۳۹۰۶/۴۸۵	df = ۲۵۳	Sig = ۰/۰۰۰

مشخص گردید. در نهایت ۵ سؤال به وندالیسم درون مدرسه و ۸ سؤال به وندالیسم بیرون از مدرسه اختصاص داده شد. فرآیند شاخص‌سازی وندالیسم در جدول زیر ارائه شده است. شایان ذکر است شاخص‌سازی و تدوین گویه‌های وندالیسم بر اساس پژوهش‌های تجربی پیشین (Brown & Devlin, 2003؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۸، Thawabieh & Al-rofo, 2010، حیدری و پارسامهر، ۱۳۹۱) صورت گرفته است. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای اندازه‌گیری شده است.

در مجموع، ملاحظه بار گویه‌های برآورد شده برای ابعاد و مؤلفه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی حاکی از آن است که در اکثر موارد بار گویه‌های برآورد شده بزرگ‌تر از ۰/۵ هستند که بیانگر مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری است.

سنجش وندالیسم

برای سنجش و اندازه‌گیری وندالیسم به عنوان متغیر وابسته، دو بعد از وندالیسم درون مدرسه و وندالیسم بیرون از مدرسه

جدول ۲- سنجش ابعاد وندالیسم

ابعاد وندالیسم	گویه‌ها	میزان آلفای کرونباخ	بار عملی	
درون مدرسه	تخریب اموال مدرسه و صدمه زدن به آن‌ها مثل بخاری، کولر، پنکه، آبرسردکن، میز معلم و نیمکت و...	۰/۷۲۳	۰/۷۴۹	
	شکستن شیشه، در و پنجره و روشنایی‌های مدرسه		۰/۷۱۳	
	آسیب رساندن به دیوارها و نمای بیرونی مدرسه		۰/۶۸۵	
	برداشتن وسایل مدرسه یا همکلاسی		۰/۶۶۳	
	نوشتن شعر و یادگاری روی دیوار یا میز و نیمکت مدرسه		۰/۵۰۷	
	شکستن شیشه، در و پنجره و روشنایی‌های اماکن عمومی		۰/۸۲۱	
	آسیب رساندن به دیوارها و نمای اماکن عمومی		۰/۸۰۸	
	کندن تراکت‌های تبلیغاتی و آگهی‌های ترحیم		۰/۷۲۷	
	نوشتن شعر و یادگاری روی دیوار یا وسایل مربوط به اماکن عمومی		۰/۶۹۵	
	چیدن گل و کندن بوته‌ها در فضای سبز و پارک‌ها		۰/۶۸۴	
بیرون از مدرسه	لگد زدن یا خط انداختن به ماشین دیگران	۰/۸۱۰	۰/۵۷۹	
	خسارت زدن به اموال متعلق به والدین یا یکی از اعضای خانواده		۰/۵۲۳	
	پرت کردن آشغال در خیابان یا هر مکان دیگری		۰/۴۴۸	
		Approx. Chi-Square = ۱۶۴۱/۸۶۷	KMO = ۰/۸۴۵	
	df = ۲۵۳			Sig = ۰/۰۰۰

می‌گردد:

تحلیل توصیفی

نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی بیان‌کننده این است که از مجموع ۶۳۵ پاسخگوی این تحقیق، ۴۸/۵ درصد را دختران و ۵۱/۵ درصد را پسران تشکیل داده‌اند.

بار گویه‌های برآورد شده برای ابعاد و مؤلفه‌های وندالیسم نیز حاکی از آن است که در اکثر موارد بار گویه‌های برآورد شده بزرگ‌تر از ۰/۵ هستند که بیانگر مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی گزارش

جدول ۳ - توزیع فراوانی ویژگی‌های پاسخگویان تحقیق

جنس	تعداد	درصد	جنس	مقطع تحصیلی	تعداد	درصد
دختر	۳۰۸	۴۸/۵	دختر	دوره اول متوسطه	۱۴۷	۴۷/۷
پسر	۳۲۷	۵۱/۵	پسر	دوره دوم متوسطه	۱۶۱	۵۲/۳
				دوره اول متوسطه	۱۷۰	۵۲
				دوره دوم متوسطه	۱۵۷	۴۸

از ۳۰۸ پاسخگوی دختر مذکور، ۴۷/۷ درصد دوره اول متوسطه و ۵۲/۳ درصد دوره دوم متوسطه بوده‌اند همچنین ۵۲ درصد از پاسخگویان پسر این تحقیق دوره اول متوسطه، ۴۸ درصد از پاسخگویان نیز دوره دوم متوسطه بوده‌اند.

جدول ۴ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای اصلی پژوهش

زیاد	متوسط	کم	تعداد	درصد	بی قدرتی
۳۷	۲۷۲	۳۲۶	۵۱/۳	۵۱/۳	بی قدرتی
۵/۸	۴۲/۸	۲۲۰	۳۴/۶	۳۴/۶	بی معنایی
۱۵۲	۲۶۳	۴۵۲	۷۱/۲	۷۱/۲	بی هنجاری
۲۳/۹	۴۱/۴	۲۴۵	۳۸/۶	۳۸/۶	انزوای اجتماعی
۲۳	۱۶۰	۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	احساس تنفر
۳/۶	۲۵/۲	۴۳	۴۳	۴۳	بیگانگی اجتماعی
۸۷	۳۰۳	۵۲۱	۵۲۱	۵۲۱	وندالیسم
۱۳/۷	۴۷/۷	۸۲	۸۲	۸۲	

بر اساس اطلاعات جدول ۵، میانگین وندالیسم دانش‌آموزان پسر (۲۷/۴۵) تفاوت معنی‌داری (sig=۰/۰۰۰) با میانگین وندالیسم دانش‌آموزان دختر (۲۲/۶۴) دارد. به عبارت دیگر وندالیسم در بین پسران بیش از دختران است.

از طرفی چون سطح معناداری آزمون تی برای مقایسه وندالیسم دوره راهنمایی و دبیرستان، بیشتر از ۰/۰۵ (sig=۰/۳۰۶) شده است پس بین وندالیسم، دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در مجموع، بیشتر پاسخگویان (۵۲/۱ درصد) به لحاظ بیگانگی اجتماعی در دامنه متوسط طیف قرار دارند در حالی که اکثر پاسخگویان (۸۲ درصد) به لحاظ وندالیسم در دامنه پایین طیف قرار دارند.

نتایج تحلیل استنباطی دومتغیره رابطه جنسیت و مقطع تحصیلی با وندالیسم

جدول ۵- خروجی آزمون تی برای مقایسه میزان وندالیسم در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
جنس	پسر	۴۳/۴۴	۱۲/۹۶۴	-۵/۱۹۴	۰/۰۰۰
	دختر	۳۸/۴۳	۱۱/۳۱۹		
مقطع تحصیلی	دوره اول متوسطه	۴۱/۵۲	۱۲/۹۰۵	۱/۰۲۴	۰/۳۰۶
	دوره دوم متوسطه	۴۰/۵۱	۱۱/۹۵۵		

رابطه جنسیت و مقطع تحصیلی با بیگانگی اجتماعی

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین دختران و پسران از نظر میزان بیگانگی وجود دارد ($P < ۰/۰۵$) و

میانگین بیگانگی اجتماعی در بین پسران بیشتر از دختران است. اما بین میزان بیگانگی بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشد ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۶- خروجی آزمون تی برای مقایسه میزان بیگانگی در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
جنس	دختر	۶۲/۶۲	۱۸/۳۸۴	۱/۲۰۰	۰/۰۴۵
	پسر	۶۴/۲۸	۱۶/۳۷۷		
مقطع تحصیلی	دوره اول متوسطه	۶۳/۶۵	۱۷/۳۹۸	۰/۳۲۳	۰/۷۴۷
	دوره دوم متوسطه	۶۳/۲۰	۱۷/۳۹۷		

متغیر مستقل پژوهش حاضر میزان بیگانگی اجتماعی و ابعاد شش‌گانه آن است. برای بررسی نقش این متغیر و ابعاد آن در وندالیسم و با توجه به این‌که این متغیرها در سطح

فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۷ گزارش شده است:

جدول ۷- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد متغیر مستقل و وابسته

احساس بی‌قدرتی	احساس بی‌هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس انزوا	احساس تنفر	بیگانگی اجتماعی	وندالیسم بیرون از مدرسه	وندالیسم درون مدرسه
۰/۵۲۰***	۰/۵۰۵***	۰/۳۸۸***	۰/۶۱۵**	۰/۸۶۲***	۰/۲۶۴***	۰/۵۹۹***	۰/۸۷۸***
۰/۵۱۹***	۰/۳۳۸***	۰/۴۶۲***	۰/۷۵۸***	۰/۲۴۱***	۰/۲۴۵***	۰/۹۰۹***	
۰/۴۸۲***	۰/۴۰۸***	۰/۶۹۸***	۰/۷۵۸***	۰/۲۴۱***	۰/۲۰۳***	۰/۲۸۵***	
۰/۵۹۷***	۰/۶۶۲***	۰/۶۹۸***	۰/۷۵۸***	۰/۲۴۱***	۰/۲۰۳***	۰/۲۸۵***	
۰/۸۱۹***	۰/۶۶۲***	۰/۶۹۸***	۰/۷۵۸***	۰/۲۴۱***	۰/۲۰۳***	۰/۲۸۵***	
۰/۱۶۱***	۰/۲۲۲***	۰/۲۴۷***	۰/۱۵۹***	۰/۲۴۱***	۰/۲۰۳***	۰/۲۸۵***	
۰/۱۶۲***	۰/۲۲۶***	۰/۲۴۵***	۰/۱۳۹***	۰/۲۰۳***	۰/۲۰۳***	۰/۲۸۵***	
۰/۱۸۱***	۰/۲۵۰***	۰/۲۷۵***	۰/۱۶۸***	۰/۲۵۱***	۰/۲۵۱***	۰/۲۸۵***	

*** معنی‌دار در سطح $p < ۰/۰۰۱$

یافته‌ها نشان می‌دهد بیگانگی اجتماعی در ابعاد وندالیسم تأثیر مستقیم و معناداری دارد به عبارت دیگر با افزایش بیگانگی اجتماعی، هر یک ابعاد وندالیسم نیز افزایش پیدا می‌کند. بر اساس یافته‌های جدول مزبور، بیگانگی اجتماعی بیشترین همبستگی را با بعد بیرون از مدرسه ($r=0/264$) دارد.

در یک جمع‌بندی از آزمون‌های مطرح شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با روش گام به گام بررسی می‌شود:

از مجموع ابعاد بیگانگی اجتماعی وارد شده در معادله رگرسیون، ۴ بعد تأثیر معنی‌داری بر وندالیسم داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، ابعاد بی‌معنایی، بی‌هنجاری و احساس تنفر در مجموع بیشترین اثر را بر متغیر وندالیسم داشته‌اند.

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی در وندالیسم تأثیر مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح هر یک از مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی، میزان وندالیسم نیز افزایش پیدا می‌کند. در بین ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی، بعد بی‌معنایی بیش‌ترین ($r=0/275$) و بعد انزوای اجتماعی ($r=0/168$) کمترین تأثیر را در وندالیسم دارند. همبستگی مثبت و معنادار شاخص بیگانگی اجتماعی با دو بعد وندالیسم برای مورد انتظار است. بنابراین فرضیات پژوهش تأیید شد.

سؤال دیگری که جا دارد به آن پاسخ داده شود این است که بیگانگی اجتماعی بالاترین همبستگی را با کدامیک از ابعاد وندالیسم دارد؟ برای پاسخ به این سؤال همبستگی بیگانگی اجتماعی با ابعاد وندالیسم در جدول ۷ محاسبه شده است.

جدول ۸- رگرسیون تأثیر متغیرهای اثرگذار بر وندالیسم

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای معیار	(Beta)	t
بی‌معنایی	۰/۵۷۷	۰/۱۶۸	۰/۱۵۲	۳/۴۴۶
بی‌هنجاری	۰/۶۵۳	۰/۱۶۹	۰/۱۶۶	۳/۸۷۳
احساس تنفر	۰/۳۹۷	۰/۰۷۹	۰/۲۰۹	۴/۹۹۶
	Adjusted R Square = ۰/۱۷۴		R Square = ۰/۱۷۸	
	R = ۰/۴۲۲			

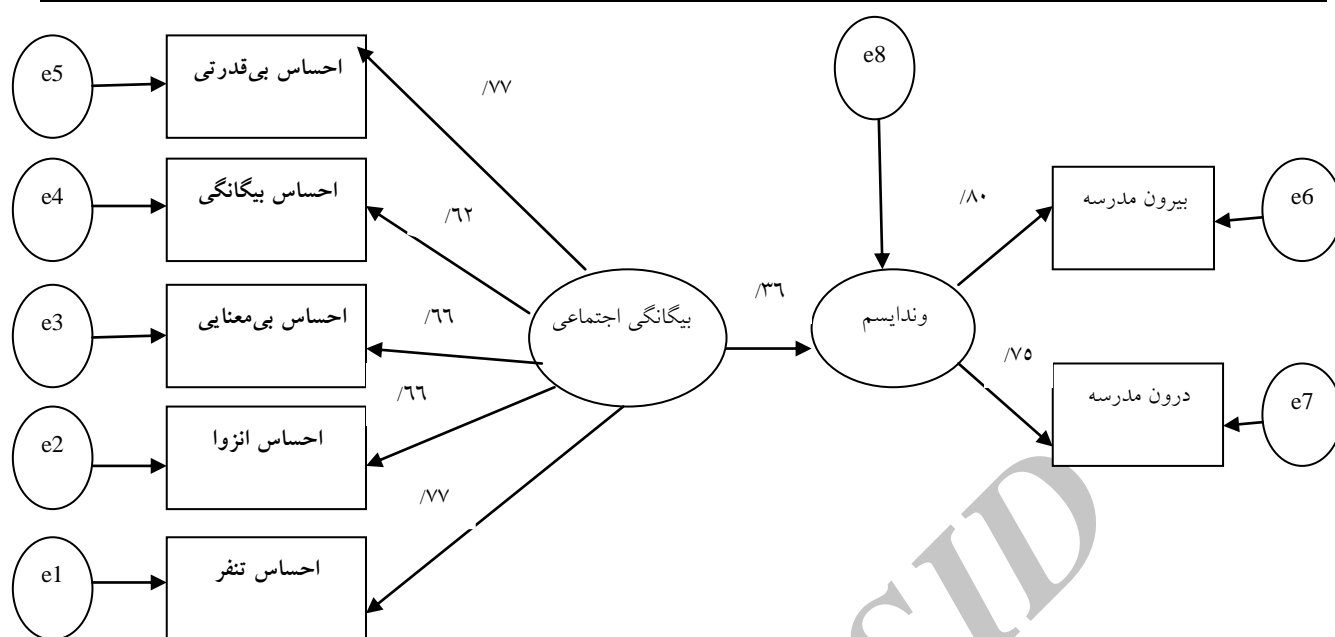
علی‌متغیرهای مکنون و متغیرهای مشاهده‌ای به طور همزمان پردازد (Bollen & Scott, 1993). لازم به توضیح است که دو متغیر اصلی این تحقیق یعنی وندالیسم و بیگانگی اجتماعی از نوع متغیر مکنون هستند.

نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار ۲ منعکس شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و احساس تنفر بوده است. همچنین تأثیر بیگانگی اجتماعی بر وندالیسم، ۰/۳۶ است که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم این متغیر است یعنی افزایش بیگانگی اجتماعی باعث افزایش وندالیسم می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول ۸، متغیر بی‌معنایی در بین متغیرهای مستقل، بیشترین تأثیر را بر وندالیسم دارد. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان نزدیک به ۱۸ درصد از واریانس متغیر وندالیسم را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چند بعدی بودن متغیر وابسته تحقیق یعنی وندالیسم و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند.

الگوسازی معادلات ساختاری

الگوی معادلات ساختاری به محقق کمک می‌کند تا به تحلیل



نمودار ۲- مدل معادله ساختاری نقش بیگانگی اجتماعی در رفتار وندالیستی

بیشتر احساس بیگانگی کند رفتار وندالیستی بیشتری از خود بروز می‌دهد.

نمودار ۲ نشان می‌دهد بیگانگی اجتماعی تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر رفتار وندالیستی دارد به عبارت دیگر هر چه فرد

جدول ۹- شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص	CMIM/DF	GFI	CFI	NFI	IFI	RFI
مقدار	۲/۴۵	۰/۹۵۴	۰/۹۴۲	۰/۹۳۳	۰/۹۴۲	۰/۸۹۳

بحث و نتیجه

بزهکاری نوجوانان به عنوان یک معضل اجتماعی همواره مورد توجه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی بوده است. وندالیسم گونه‌ای از بزهکاری است که امروزه به عنوان یک مشکل حاد اجتماعی در میان جوامع مطرح است. این پدیده در بین نوجوانان و جوانان از شدت بیشتری برخوردار است. همواره به علت تخریب اموال عمومی مثل صندلی اتوبوس‌ها، کیوسک‌های تلفن عمومی، فضاهای سبز شهری، میز و نیمکت‌های مدارس، لامپ‌ها و تابلوهای معابر عمومی و غیره به وسیله این افراد، خسارات فراوانی به جامعه وارد می‌گردد که در پاره‌ای از موارد غیرقابل جبران است. نتایج آزمون

شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. یکی از این شاخص‌ها، کای اسکور نسبی (CMIM/DF) است که مقادیر کمتر از ۳ مطلوب تلقی می‌شود. کای اسکور نسبی برای این مدل ۲/۴۵ شده است. همچنین میزان مؤلفه‌های CFI، GFI، NFI، IFI و RFI باید نزدیک و یا بیشتر از ۰/۹ است که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۵۴، ۰/۹۴۲، ۰/۹۳۳، ۰/۹۴۲ و ۰/۸۹۳ است. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار ایموس می‌توان گفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

دارد. افزایش بیگانگی اجتماعی حتی در یکی از ابعاد آن با افزایش وندالیسم و همچنین افزایش در ابعاد آن همراه است. نتیجه به دست آمده با پژوهش نبوی، ملتفت و براتیان (۱۳۹۰)، فتحی و محمدی (۱۳۹۰)، سلیمانی و نایی (۱۳۹۱) همخوانی دارد و در ضمن همسو با ابعاد نظری سیمن، مرتن و سایر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی است.

یکی از متغیرهای زمینه‌ای که در تحقیقات مختلف، تأثیر آن بر گرایش افراد به بزهکاری و وندالیسم به اثبات رسیده است. متغیر جنسیت است. به عبارت دیگر، اعمال انحرافی از نظر کمی و کیفی بین زنان و مردان متفاوت است، به طوری که مردان بیشتر مرتکب این‌گونه اعمال می‌شوند. نتایج به دست آمده از بررسی رابطه بین جنسیت و گرایش به وندالیسم در این پژوهش هم جهت با اکثر تحقیقات پیشین، رابطه بین این دو متغیر را تأیید می‌کند، به عبارت دیگر در بین دختران و پسران دانش‌آموز در شهر یزد از نظر گرایش به وندالیسم تفاوت مشاهده می‌شود. این نتیجه را می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی و روانی پسران مرتبط دانست. به دلیل این که پسران از آزادی عمل بیش‌تری به نسبت دختران برخوردارند و احتمالاً در مقابل وندالیسم، کم‌تر از دختران مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند. به عبارتی پسران به دلیل نشان دادن توانایی‌های جسمانی و شجاعت خود، بیشتر دست به وندالیسم می‌زنند. از طرف دیگر دختران بر اساس ویژگی‌های فیزیولوژیک خود معمولاً کمتر دست به خشونت و خرابکاری می‌زنند و در کنترل خشم خود موفق‌ترند. نتایج این مطالعه با یافته‌های تحقیقات فتحی و محمدی (۱۳۹۰)، مظفری (۱۳۸۴)، سهامی و احمدی (۱۳۸۳)، قائمی‌فر (۱۳۸۶) و بال (۲۰۰۵) همخوانی دارد.

بیگانگی اجتماعی کل دانش‌آموزان، دانش‌آموزان دوره اول متوسطه و دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه تأثیر معنی‌داری بر وندالیسم داشته است. نتیجه به دست آمده با پژوهش نبوی، ملتفت و براتیان (۱۳۹۰)، فتحی و محمدی (۱۳۹۰)، سلیمانی

فرضیات نشان داد بین بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، احساس تنفر و وندالیسم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین به لحاظ وندالیسم بین جنس تفاوت معناداری وجود دارد. اما بین مقطع تحصیلی و وندالیسم رابطه معناداری مشاهده نشد.

یکی از نهادهای مهمی که مسئولیت تعلیم و تربیت اجتماعی نوجوانان جامعه را بر عهده دارد، آموزش و پرورش است؛ به گونه‌ای که در صورت بروز برخی آسیب‌ها، خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم انواع گرفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۰۶). مدارس امروزی بخش عمده جامعه‌پذیری نوجوانان را که قبلاً به عهده خانواده‌ها بود، به عهده دارند. بررسی علل و عوامل مؤثر بر رفتارهای نابهنجار در مدرسه و ارائه راهکار برای ترمیم آن اهمیت اساسی دارد (قائم‌فر، ۱۳۸۶: ۱۴۶). همین سبب برای مطالعه نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم، نمونه‌ای شامل ۶۳۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد انتخاب شدند و از آراء فلکس، فردیبرگ، فروم و سیمن برای تبیین نظری این رابطه استفاده شد.

روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان معتقدند که رفتارهای وندالیستی یک مسأله اجتماعی است و باید با توجه به عوامل اجتماعی و محیطی تبیین شود. در بروز هر نوع آسیب اجتماعی، از جمله وندالیسم بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مؤثرند و از آن جمله می‌توان به در هم ریختن سنت‌ها و سرعت فزاینده مدرنیته اشاره کرد. مسائلی نظیر بیگانگی، فقر، نابه‌سامانی‌های خانوادگی و مشکلات هویتی نوجوانان و جوانان به طور مستقیم، زمینه‌های اجتماعی را برای وجود انواع آسیب‌ها از جمله وندالیسم در جامعه فراهم می‌کند (فتحی و نایی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین وندالیسم و ابعاد دوگانه آن و بیگانگی اجتماعی و ابعاد مختلف آن رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود

جامعه‌پذیری اولیه که در خانواده و در سال‌های ابتدایی زندگی اتفاق می‌افتد، سهم به‌سزایی در آینده فرد ایفا می‌کند. افرادی که جامعه‌پذیری مناسبی را طی کرده‌اند، در نوجوانی به سادگی تسلیم رفتارهای انحرافی نمی‌شوند. بنابراین آموزش خانواده برای اعمال نظارت درست در رفتار بچه‌ها پیشنهاد می‌گردد.

مشارکت دادن دانش‌آموزان در کنترل و یا تعمیر تخریب‌های صورت گرفته می‌تواند در کاهش وندالیسم مؤثر است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد؛ مدارس با دادن مسؤلیت‌های مشخص به دانش‌آموزان به کم کردن وندالیسم کمک کنند.

باید تلاش شود استانداردهای زندگی شهری در تمامی مناطق و محلات شهری و به ویژه در مناطق و محلات محروم بهبود یابد. از بین بردن نشانه‌های تبعیض در امر مناطق مختلف شهری کمک می‌کند تا احساس ناکامی و اجحاف در شهروندان به خصوص نوجوانان و جوانان که سرشار از هیجان و انرژی بوده و آماده تخلیه هیجانی هستند، کاهش یافته و آن‌ها بتوانند از امکانات مورد نیاز خود در محل زندگی نیز بهره‌مند شوند.

از آن‌جایی که رابطه بیگانگی اجتماعی و وندالیسم معنی‌دار شده است، لازم است که محققان علاقه‌مند در پژوهش‌های بعدی به بررسی ابعاد مختلف بیگانگی اجتماعی با انواع وندالیسم بپردازد زیرا در پژوهش‌های انجام گرفته بیشتر متغیرهای جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از متغیرهای روان‌شناسی اجتماعی غفلت شده است.

منابع

احقر، ق. (۱۳۸۵). «بررسی نقش عوامل خانوادگی در میزان سازش یافتگی عاطفی، اجتماعی و آموزش دانش‌آموزان مقطع راهنمایی سراسر کشور»، *مجله علوم روان‌شناختی*، ش ۱۹، ص ۲۲۶-۲۵۶.

و نایبی (۱۳۹۱) همسو بود. سیمن (۱۹۵۶) معتقد است اگر افراد دچار بیگانگی اجتماعی بشوند و احساس کنند که هیچ‌گونه قدرتی در برابر نیروهای اجتماعی ندارند، گرایش بیشتری به انجام رفتارهای وندالیستی دارند. مرتن (به نقل از محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳) معتقد است انسان‌ها در شرایط متفاوت کنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. وی همچنین معتقد است، وقتی جامعه بر فرد کنترل داشته است، فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد و هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا می‌شود و در چنین وضعیتی احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد. فردینبرگ (به نقل از محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳) نیز با اشاره به بیگانگی اجتماعی، بروز رفتارهای انحرافی را محصول نارضایتی و سرکوب شدن فردیت و هتک شخصیت فردی می‌داند. کوهن نیز معتقد است، وقتی فرد دچار احساس انزوا که یکی از ابعاد بیگانگی اجتماعی است؛ می‌شود، سعی دارد، این احساس را از خود دور کند، بنابراین به رفتار انحرافی برای کسب لذت و شادی روی می‌آورد. در هر صورت نتایج این پژوهش با نظر این چهار نظریه‌پرداز هم‌جهت و همسو بود. در یک جمع‌بندی باید گفت که وندالیسم یک مسأله اجتماعی جهانی است و هر جامعه‌ای با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود با آن روبرو است. موضوعی است که به سادگی نمی‌توان در مورد آن داوری و قضاوت کرد. این مسأله مهمی است که سیاست‌گذاری مبتنی بر پژوهش‌های علمی و کاربردی و روزآمد طلب می‌کند.

همچنان که نتایج نشان داد بیگانگی اجتماعی در میزان وندالیسم تأثیر معنادار و مستقیم داشته است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدارس با ایجاد جو دوستانه و برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و ایجاد فضاهای گفتمانی بیگانگی اجتماعی را کاهش دهند تا به دنبال آن میزان وندالیسم و رفتارهای انحرافی در بین دانش‌آموزان کاهش یابد.

۵۱. احمدی، ح.؛ خواجه نوری، ب. و موسوی، م. (۱۳۸۸). «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۳۳، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- بنی‌فاطمه، ح. و رسولی، ز. (۱۳۹۰). «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۱، ص ۱-۲۶.
- توفیقیان‌فر، ع. و حسینی، ا. (۱۳۹۱). «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال سوم، ش ۸، ص ۴۵-۵۸.
- حسین‌زاده، ع.؛ باقری، م. و بختیاری‌زاده، ف. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار (مورد مطالعه: کارکنان پتروشیمی بندر ماهشهر)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۲، ص ۱۶۷-۱۸۲.
- حیدری، ا. و پارسامهر، م. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۷، ص ۲۰۷-۲۲۹.
- ربانی، ر. و انصاری، م. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی کار و شغل دیدگاه و نظریه‌ها*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رجبی‌پور، م. (۱۳۸۲). «راهبردهای پیشگیری از جرم»، *فصلنامه دانش نظامی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۷-۳۲.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زکی، م. (۱۳۸۸). «بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۳، ص ۲۵-
- زکی، م. و خشوعی، م. (۱۳۹۲). «سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ش ۸، ص ۷۹-۱۰۸.
- سخت‌اوت، ح. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ستوده، ه. (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمانی، م. و نیایی، ه. (۱۳۹۱). «تبیین رابطه بین از خودبیگانگی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی، نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال دبیرستان‌های تهران)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۳۲، ص ۸۹-۱۱۱.
- سهامی، س. و احمدی، ح. (۱۳۸۳). «بزهکاری و خرابکاری»، *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۰۶-۱۲۳.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران*، تهران: نشر قطره.
- شامبیاتی، ه. (۱۳۷۵). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران: انتشارات ویستار.
- عزیزیان، ن. (۱۳۹۰). *مقایسه وضعیت وندالیسم در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه مدارس دولتی و غیردولتی شهرستان سنندج و بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- فتحی، س. و محمدی، ح. (۱۳۹۰). «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ش ۱۳، ص ۱۵۸-۱۷۱.
- فروم، ا. (۱۳۵۷). *جامعه سالم*، ترجمه: اکبر تبریزی، تهران:

- محمدی بلبان آباد، ا. (۱۳۸۴). *سنجش وندالیسم و بررسی عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- مرتضایی، ر. (۱۳۸۰). «طراحی، ابزار مقابله با تخریب‌گرایی (وندالیسم) در محیط شهری»، *ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، ش ۲۵، ص ۱۲-۱۶.
- میرفردی، ا.؛ احمدی، س. و نیکخواه، ز. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۷، ص ۱۸۵-۲۰۶.
- نادری، ح.؛ بنی‌فاطمه، ح. و حریری اکبری، م. (۱۳۸۸). «الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی بی تفاوتی اجتماعی»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ششم، ص ۲۹-۵۹.
- نیوی، ح.؛ ملتفت، ح. و براتیان، ع. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایذه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۳، ص ۸۳-۱۰۰.
- وثوقی، م. و ساری، م. (۱۳۹۲). «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان»، *مجله توسعه اجتماعی ایران*، ش ۵، ص ۹۰-۱۰۶.
- Ball, J. (2005) *The moderating effect of family factors on the relationship between lifetime trauma event exposure and juvenile delinquency in a sample of male juvenile offenders*, dissertation PhD, Georgia State University.
- Bollen Kenneth, A. and J. Scott. Long. (1993) *Testing Structural Equation Models*. Newbury Park, CA: Sage.
- Brown, Gregory Devlin, Ann Sloan (2003) "Vandalism: Environmental and Social Factors", *Journal of College Student Development*, 44: 502-516.
- Caldwella. R. M & Beutlerb, L. E. & Rossc, S. A. (2006). "An Examination of the Relationships between Parental Monitoring, بهجت. قائمی‌فر، ح. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کلانتری، م. و توکلی، م. (۱۳۸۶). «تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۶۶، ص ۱۲-۱۶.
- کوزر، ل. و روزنبرگ، ب. (۱۳۸۵). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). «بیگانگی مفهوم سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۲۶-۷۶.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۶). *بررسی موردی رابطه بیگانگی و مشارکت سیاسی در میان سرپرستان خانوارهای مناطق شهر تهران*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۹). «مبانی نظری و تجربی وندالیسم؛ مروری بر یافته‌های یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۶، ص ۱۹۳-۲۲۷.
- محسنی تبریزی، ع. و رحمتی، م. (۱۳۸۱). «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی - توصیفی خشونت در ورزش»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، ص ۱۲۵-۱۵۳.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۳). *وندالیسم؛ مبانی روان‌شناسی اجتماعی*، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کثرت‌رفتاری اجتماعی، تهران: نشر آن.

- Mohseni-Tabrizi, A. (2004) "Active and Passive Aspects of Student Alienation in Iran", *Journal of Social Science*, 11(2): 131-145.
- Moosazadeh, A. (2010) *Survey on the relationship social & individual factors with the vandalism behaviors among the high school students of the southern district of Tehran*, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences Department of Social Work.
- Ribble, M. (2002) "Therapeutic Changes in Children, Parents, and Families Resulting from Treatment of Children With Conduct Problems", *Journal of the American of Child and Adolescent Psychiatry*, 39(4): 414-420.
- Ryan, J.P. & M.F. Testa. (2005) "Child Maltreatment and Juvenile Delinquency: Investigating the Role of Placement and Placement Instability". *Children and Youth Services Review*, 27: 227-249.
- Seeman, M. (1959) "On the Meaning of Alienation", *ASR*, 24: 783-791.
- Taylor, J.C. (1973) *Concepts and problem in the studies of the quality of working life (Mimeo)* Graduate School of Management, University of California, Los Angeles.
- Thawabieh, A.M. & Al-rofo, M.A. (2010) "Vandalism at Boys Schools in Jordan", *Journal Educational Sciences*, 2(1):41-46.
- Wilkinson, T. (1991) "Raiders of the Parks", *Journal of National Park*, 65:7-30.
- Wilson, P. Healy, p. (1986) *Graffiti and vandalism*. A Report to Nsw State Rail Authority.
- Yıldıza, S. Şaylıkayb, M. (2014) "The Effect of Organisational Cynicism on Alienation", *2nd World Conference on Business, Economics and Management*, 109: 622-627.
- Self-Esteem and Delinquency Among Mexican American Male Adolescents", *Journal of Adolescence*, 29(3): 459-464.
- Clarke, RVG. (1991) "Tackling Vandalism", a Home Office, Research Unit Report, London
- Dean, G. Dwight (1968) "Alienation: It is Meaning and Measurement", *American Sociological Review*, 26: 753-758.
- Flacks, R. (1986) "The Liberated Generation: An Exploration of the Roots of Student Protest", *Journal of Social Problems*, 3: 52-75.
- Finifter, A. W. (1970) "Dimension of Political Alienation", *The American Science Review*, 64: 389-410.
- Friedenberg, E.Z (1983) *The Vanishing Adolescent*, Boston: Beacon Press.
- Gaski, J. F. and Ray, N. M. (2001) "Measurement and Modeling of Alienation in the Distribution Channel Implications for Supplier-Reseller Relations", *Industrial Marketing Management*, 30: 207-225 .
- Goldstein, F.J. (1990) *Vandalism: A Constructive Approach*. In Ward, C (Ed). *Vandalism*. London: Architectural Press.
- Hauber, A .R. (1991) *Delinquency and vandalism in the Netherlands's public transportation system*, Economic Research Center.
- Hayden P. Smith & Robert M. Bohm, Beyond (2008) "Anomie: Alienation and Crime", *Crit Crim*, 16: 115-120.
- Keniston, K. (1969) *The Uncommitted*, New York: Harcourt, Brace and World.
- Longman Group. (2003) *Longman Dictionary of Contemporary English*, New edition, Longman House, England.
- Lygart, C. (1988) "Public School Vandalism toward Synthesis of the Orises and Transition to Paradigm Analysis", *Adolescence*, 23(89):187-200.

Archive of SID